

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ»
«رسول خدا ﷺ فرمودند: هرگاه بدعت‌ها در میان امت‌م پدیدار شوند،
بر عالم است که علم خود را آشکار سازد»

اصول کافی / جلد ۱

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۱۴	خریدار، سند اعتبار پول رایج جهانی است.....
۱۶	پول اعتباری تورم‌زاست.....
۲۰	تناقضات پول رایج جهانی.....
۳۲	نتیجه.....

پیشگفتار

امام راحل رحمۃ اللہ علیہ فرمودند هرچه قانون مجلس پذیرفت و شورای نگهبان آن را تأیید نمود، نباید تخطئه شود و اگر قرار است تجدید نظری واقع شود باید از مسیر قانون و نظر شورای محترم نگهبان باشد. حرف امام راحل رحمۃ اللہ علیہ لازم الاتباع است زیرا هدف ایشان مراعات حفظ کلیت نظام و احتراز از هرج و مرج و برکناری از تفرق و تشتت است. اما لازمه چنین مراعاتی این نیست که از بحث و فحص احتراز کنیم و انجماد برگزیده داشته باشیم و از اجتهاد و تحقیق کناره گیری کنیم. مباحثه غیر از تحریک عوام و کشاندن مسائل به مردم است و باز بودن راه اجتهاد غیر از دوباره کاری و تشکیک در مصوبات است. مزیت بزرگ حوزه آزاد اندیشی و نو اندیشی و خلاقیت است. بحث ما در باره پول

رایج جهانی است^۱؛ پولی که قانون بانکداری بدون ربا بر آن مبتنی است و این، بحث در فتوا نیست تا عدم التزام به مصوبات شورای نگهبان از آن برداشت شود. استدلال ما این است که پول رایج جهانی مشروعیت ندارد. حال اگر ثابت شد که مشروع است پس هیچ حرفی در مسأله قانون بانکداری بدون ربا نیست یا اگر کار کردن پول به صورت موردی اتفاق بیفتد، صد در صد قانون بانکداری فعلی مورد قبول و حمایت است.

حقیقت این است قانون بانکداری کنونی و کار کردن پول، ملازم یکدیگرند. به عبارت دیگر نزاع در ملازمه است و اگر ملازمه ثابت نشد، اشکالی نیز بر قانون بانکداری از این نظر نیست و یا اگر مبنای پول رایج جهانی قابل تطبیق با شرع مقدس باشد، این اشکال هم وارد نیست. بنابراین، بحث به اشکال مبنایی و نزاع در ملازمه قانون بانکداری کنونی و کار کردن پول بر می‌گردد و ابداً بحث دوباره کاری و از سرگیری مطلب تمام شده نیست تا عدم التزام به مصوبات

۱- منظور از پول رایج جهانی پولی است که در کشورهای مختلف جریان دارد و تولید ناخالص ملی پشتوانه آن فرض شده است و به آن «پول اعتباری» نیز گفته می‌شود.

شورای نگهبان و تشکیک در اصل نظام تلقی شود. ما معتقدیم که مصوبات شورای نگهبان نباید مورد تشکیک واقع شوند و همانطور که علوم، وابسته به اصول موضوعه هستند و نیاز به اثبات ندارند، نظام‌ها هم اصول موضوعه دارند و شرط برقراری هر نظام التزام به آن اصول است. مثلاً اگر کسی از تقلب در انتخابات دم زند، نباید از راه تشکیک در مصوبات و یا صلاحیت شورای نگهبان وارد شود، بلکه بایستی از راه قانون مطالبات پیگیری گردد.

کسی که حرف اولش این است که «پول رایج جهانی مبنای مشروعیت ندارد»، باید حرف او را شنید و اگر لازم بود همایشی برای تحقیق و شناخت آن برقرار نمود تا شبهه برطرف گردد و اگر ثابت شد که نمی‌توان با پول رایج جهانی احکام اسلام را پیاده کرد، باید پول اسلام را احیا نمود.

پول در جامعه مثل جریان خون در بدن است. همان گونه که خون بدون این که مصرف شود از کانال رگ‌ها تمام اعضا و بافت‌ها را به عدالت تغذیه می‌کند و به حرکت و زایش می‌کشانند، پول هم در جامعه بدون این که مصرف شود، باید به عدالت از کانال طرح‌ها و برنامه‌ها به اعضای جامعه برسد و آن‌ها را به تولید و خدمات رسانی کشانند. همان طور که خون امکانات زندگی مثل اکسیژن و قند را در اختیار سلول‌ها قرار می‌دهد و فعل و انفعالات را جوش می‌دهد، پول هم در جامعه امکانات مختلف را در اختیار آحاد جامعه قرار می‌دهد و مانند کاتالیزور، کارش جوش دادن معاملات است و بدون آنکه خودش کار کند، در هرگونه جابجایی در صنعت و کشاورزی و غیره حضور دارد و جامعه را به تلاش و کار و امنیت و رفاه می‌کشانند. از طرفی همان طور که اگر خون بیمار شود بدن از پای در می‌آید، پول

هم اگر مریض شود بدترین نوع بیماری‌های صعب‌العلاج اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی پدیدار می‌گردد.

۶۰ سال پیش پول با پشتوانه و مقدار معین طلا تضمین می‌شد و اسکناس حکم مسکوک طلا و نقره داشت و عین درهم و دینار شرعی، ترقی و تنزل بازار تأثیری در ضمانت آن نداشت، اما از وقتی که پشتوانه طلا برای اسکناس در دنیا منسوخ شد و به مرور «تولید ناخالص ملی»^۱ پشتوانه پول قرار گرفت، کشورها به تدریج «پول اعتباری»^۲ را به عنوان

۱- واژه «تولید ناخالص ملی» یکی از پرکاربردترین واژه‌های عرصه سیاست‌گذاری عمومی است. معنای این واژه عبارت است از مجموع ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک سال مشخص با استفاده از عوامل تولیدی که متعلق به شهروندان یک کشور می‌باشد. منظور از کالاها و خدمات نهایی، آن دسته از کالاها یا خدماتی است که به مصرف‌کننده نهایی فروخته می‌شود یا به هر طریق دیگر بدست او می‌رسد.

۲- پول رایجی که صرفاً به اعتبار سازمان انتشار دهنده و پذیرش گسترده مردم ارزش یافته باشد را پول اعتباری می‌نامند. اسکناس یا همان پول کاغذی متداول‌ترین شکل پول اعتباری محسوب می‌شود. بر خلاف پول تمام عیار (سکه طلا و نقره)، پول اعتباری به آسانی و به مقدار و مبلغ زیاد قابل چاپ می‌باشد و حمل آن نیز آسان است. علاوه بر این، مقدار انتشار این نوع پول به میزان فلزات قیمتی کشور نیز بستگی ندارد. بدیهی است انتشار بی‌رویه پول اعتباری می‌تواند موجب سلب اعتماد مردم شود و ارزش آن رو به کاهش ←

اختراع بشر در مبادلات پذیرفتند. از ابتدا کشورها ملزم به رعایت شرط صحیح حرکت بوسیله برابری حجم پول در گردش با تغییر و تحول کالا و خدمات بودند که اگر این شرط محقق گشته بود، حاکی حکایت از محکی یعنی کالا و خدمات داشت و فرقی با آن نمی کرد اما این شرط محقق نشد. تولید ناخالص ملی یعنی این که بینیم چه داریم و چه نداریم و هرچه داریم پشتوانه‌ی پول می کنیم و در آن هم هیچ تعهدی نیست. الآن پول رایج جهانی در اغلب کشورها اعتباری است یعنی مقدار کالا و خدمات پشتوانه شده برای هر قطعه اسکناس در آن به طور مشخص معلوم نیست و کنترلش دست حکومت است.^۱

← گذارد. باید توجه داشت پول اعتباری که اساساً به اتکاء تأیید قانونی انتشار می یابد با پول فلزی و کاغذی که دارای پشتوانه باشند، تفاوت دارد.

۱- در حال حاضر تقریباً تمام پول مورد استفاده در تمامی کشورهای دنیا اصطلاحاً پول فیات است؛ یعنی پولی که دارای ارزش ذاتی نبوده و کنترل ارزش آن در اختیار حکومت است. روزنامه دنیای اقتصاد در مقاله ای به زبان کارشناس آمریکایی در جریان بحران غرب می نویسد: «پول اعتباری چیزی است که از هوا بدست می آید. حتی در اصطلاح اقتصادی این پدیده (Fiat Money) از کلمه Fiat استفاده می شود که واژه ای برگرفته از لاتین است و به معنای تحت‌اللفظی «بوجود آوردن چیزی از هیچ» است؛ آن گونه که خدا در روز اول آفرینش کرد. اما بهای راحتی و آسایش بانکداران در این نظام پولی را پس

خریدار، سند اعتبار پول رایج جهانی است

پول چه کالایی و چه اعتباری و چه جهانی و چه محلی، همگی در عرضه و تقاضا و داشتن مشتری ارزش بهم می‌زند و این منهای اعتبار حکومتی آن است. تقاضای برای پول تابع مجموعه عوامل روانی،

انداز کنندگان باید پردازند. ارزش پول‌های اعتباری که به هیچ چیز در ذات خودشان وابسته نیستند، حالت خاکستری می‌مانند که هر لحظه ممکن است با وزش نسیمی ملایم در هوا ناپدید شود. طی چهل سال اخیر یا حتی پیش از آن، تمامی کشورهای جهان از پول اعتباری استفاده کرده‌اند. این به آن معناست که حالا اقتصادهای جهان بیش از هر زمان دیگری در تاریخ، در برابر لغزش‌های بانک‌های مرکزی‌شان آسیب پذیر هستند. بنابراین بانک‌های مرکزی اگر از خط خود خارج شوند، خطری بزرگ تمام جهان را تهدید خواهد کرد. در همین آمریکا سیاست‌های بانک مرکزی این اواخر همه را به وحشت انداخته است. به ما تلقین می‌کنند که اینطور باور کنیم که کاهش قیمت‌ها پدیده شومی است و تنها افزایش تورم است که می‌تواند به حرکت اقتصاد کمک کند. از زمانی که بحران مالی در ۲۰۰۸ آغاز شد، رئیس بانک مرکزی آقای بن برنانکی به دنبال کاهش ارزش دلار بوده و متعاقب آن قیمت دارایی‌ها بالا رفته است - بویژه در بخش املاک و مستغلات - اما اقدامات او واقعاً خارج از ریل است. بانک مرکزی نه می‌تواند نرخ دقیق تورم را کنترل کند و نه می‌تواند بر توزیع تورم در بخش‌های مختلف اقتصاد اثر روشن و مستقیمی بگذارد. به عبارت دیگر تورم موجودی وحشی است؛ یک بار که آزادش کردید دیگر معلوم نیست از کجا سر در می‌آورد و کجا می‌توانید باز به دامش بیندازید»

امنیتی، سیاسی و نظامی است که حاصل تأثیرات آن‌ها اعتبار آن را در عرصه جهانی تشکیل می‌دهد. این مجموعه عوامل سبب گردیده که سخت‌افزار تولید کالا و خدمات در مرحله بعد قرار گرفته و برابری تولید با حجم پول در گردش از حالت صد در صد خارج گردد. در عرصه بین‌الملل، پول اعتباری هر چقدر خریدار داشته باشد و مردم آن را بردارند، مؤسس به خود اجازه می‌دهد اسکناس چاپ کند و با کاغذ خود ثروت دیگران را غارت کند. آمریکا از روزی که دلار پول بین‌المللی شد، سیادت و عزتش آغاز گردید. او به خاطر اقتداری که دارد مشکلی نداشته و «کاغذش» حکم پول پیدا می‌کند و به وفور اسکناس صد دلاری چاپ کرده و با جنس مبادله می‌نماید و اثری هم در کاهش قدرت خرید آن پیش نمی‌آید، زیرا مردم آن را بر می‌دارند؛ مثل فوق‌العاده روزنامه‌ها شده که طنزنویسی نکته سنج در باره آن می‌گوید:

می‌شود هر روز فوق‌العاده چاپ

چون که در شهر است فوق‌العاده خر

این نشان می‌دهد که مشتری در حقیقت سند نهایی اعتبار پول است، اما همین مشتری اگر یک بار از خرید با دلار ضرر کند و نتواند در بازار

آزاد مثل قبل جنس بخرد، آن را در بازار می‌فروشد تا دارائی‌اش از دست نرفته باشد. قانون بازار این است که تا زمانی که ارز قوی‌تر و مطمئن‌تری پیدا نشود، دلار کماکان منبع دارایی است و آمریکا کاغذ می‌دهد و نفت می‌خرد و مشکلات اقتصادی خود را به دیگر کشورها منتقل می‌کند. آمریکا برای کسب اعتبار بیشتر، حوزه اقتدارش را در عالم توسعه می‌دهد و در جاهای جدید حضور پیدا می‌کند و یکی از منافع جنگ برای او، تبلیغات برای کسب اعتبار بیشتر برای دلار است. او تا کنون ۱۵۰ جنگ در سراسر جهان به راه انداخته است و در مسیر کسب بازار و منابع جدید، دچار مخاطره‌های اقتصادی، اعتباری و امنیتی زیادی می‌شود که باید بلافاصله اثرش بر روی دلار ظاهر گردد اما می‌بینیم در سطح جهانی دلار تغییر چندانی نمی‌کند زیرا مردم پول او را برمی‌دارند.

پول اعتباری تورم‌زا است

از وقتی پشتوانه طلا در دنیا منسوخ شد و به جای آن تولید ناخالص ملی مطرح گردید، نقش دولت‌ها به نقش دست اول در پشتوانه پول تبدیل

گردید. از اول دولت‌ها ملزم به رعایت شرط صحیح حرکت بوسیله برابری و تناسب حجم پول در گردش با تغییر و تحول کالا و خدمات بودند که اگر این شرط محقق گشته بود، اسکناس کالای مسکوک بحساب می‌آمد و طلا در آن مجسم بود اما این کار بستگی به رعایت قاعده بازی توسط دولت‌ها دارد؛ قاعده ای که می‌گوید وقتی پول از پشتوانه ثابت طلا خارج شد و روی پشتوانه تولید ناخالص ملی آمد، کشورها حتی آنانی که وضع اقتصادی خوبی ندارند، چنین پولی را باید میثاق بین خود و مردم دانسته و چاپ اسکناس بدون پشتوانه را خطرناک برای اعتماد مردم به نظام بدانند. دولت با امضای پول، قدرت خرید آن را ضمانت کرده و به مردم اطمینان می‌دهد اسکناس حکم حواله جنس دارد و مردم می‌توانند دارایی و کار و تلاش خود را در آن ریخته و با قدرت خرید آن معاوضه کنند اما اگر این تناسب بهم بخورد و حواله به تعداد زیادتری دست مردم داده شود و این کار به صورت رویه درآید، معنایش این است که وقتی تقسیم به نسبت انجام گیرد، مقدار کمتری کالا در برابر هر حواله اسکناس قرار خواهد گرفت و در

نتیجه ارزش پول پایین آمده و تورم^۱ ایجاد شود؛ در این حال مردم خیال می‌کنند نوسان قیمت پیش آمده، در حالی که ارزش پول پایین آمده است.

فرض کنید ۱۰۰۰ نفر هر کدام یک شیشه شربت دارند و همه شربتشان را در دیگی ریخته‌اند. حال اگر دولت روی آن آب اضافه کند به اندازه ۱۵۰۰ شیشه شود و ۵۰۰ عدد آن را خودش بردارد و ۱۰۰۰ عدد دیگر را دوباره به مردم برگرداند، نتیجه کار بی مزه شدن شربت است. به عبارت دیگر رقمی که روی پول نوشته شده عوض نشده، اما وقتی آن را برای خرید به بازار می‌برند می‌بینند به اندازه‌ی قبل کار نمی‌کند!

۱- تورم از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت است. از نظر عموم به معنی افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت‌هاست. از نظر فنی خارج قسمت عدد کسری است که صورتش حجم پول در گردش و مخرجش تولید ناخالص ملی است؛ اگر صورت و مخرج به یک نسبت بالا بیایند، معنایش این است که میزان پول و کالا به یک نسبت افزایش پیدا کرده و مشکل روند صعودی قیمت‌ها وجود ندارد. اما اگر بالا رفتن نسبت صورت به مخرج یک طرفه شد، این امر باعث بهم خوردن تعادل بازار و بالا رفتن قیمت کالاها و خدمات می‌شود و به آن تورم گویند. در این حال مردم فکر می‌کنند قیمت‌ها بالا رفته است در حالی که ارزش پول پایین آمده است زیرا تورم با نوسان قیمت فرق دارد.

ممکن است کارشناس بگوید اجتماع مالک مال است و ما هم برای منافع عموم کار می‌کنیم، پس با پولی که از طریق تورم از درون پول مردم در می‌آوریم، سرمایه‌گذاری نموده و کارخانه و راه و بیمارستان و مدرسه و غیره می‌سازیم و از طریق اشتغال و فناوری ایجاد شده دوباره به جامعه بر می‌گردانیم! اما این کار با اسلام همخوانی ندارد. اسلام می‌گوید: «لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسِهِ»^۱ یا «حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ»^۲. می‌گوید حرمت مالکیت از حدود مال فراتر است. حتی ممکن است چیزهایی از مال حذف شود، اما حرمت مالکیت حذف نمی‌گردد. مثلاً برگ درخت مالیت ندارد اما مالکیت دارد و نمی‌توان آن را برای نماز بدون اجازه برداشت. ما معمولاً رعایت بین مال و مالکیت نمی‌کنیم و همین، کار دستمان می‌دهد.

ممکن است کشورهای دیگر استقراض یا چاپ اسکناس بدون پشتوانه داشته باشند اما آن را با حساب و کتاب انجام می‌دهند و سعی دارند اسکناس به اندازه لازم و نه نیاز چاپ شود. گاهی حکومت‌ها با استفاده

۱- نهج الحق و کشف الصدق، ج ۱، ص ۴۹۳: «حلال نیست در مال مسلمان جز به طیب خاطر و رضای او دست زد»

۲- نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۴۴۰.

از تورم پایه‌ی اقتصاد نظام خود را تثبیت و بار حکومت را می‌بندند اما این در شرایطی مفید است که از آن بصورت دارو استفاده شود و معیار و حساب و کتاب داشته باشد. اگر معیار انتشار اسکناس نیاز باشد و به صورت رویه درآید، ورود ربا در سیستم اقتصادی حتمی است و تناقض‌ها بروز می‌کند.

تناقضات پول رایج جهانی

اولین تناقض در پول رایج جهانی، «دیدن ضرر سپرده‌گذار و ندیدن ضرر مردم» است. پول هرجا باشد، ضامن قدرت خرید آن، دولت است. پول اعتباری فی نفسه کاغذی است که با مهر و امضای دولت اعتبار بهم زده و قدرت خرید آن توسط او ضمانت گشته است؛ معنایش این است که اولاً پول سالم دست مردم است، ثانیاً آنان می‌توانند دارایی خود را در آن بریزند. وقتی بانک در توجیه بهره می‌گوید سپرده مردم پیش ما امانت است و باید به اندازه‌ی تورم به سپرده‌ها سود دهیم، این حرف باید در مورد اسکناسی هم که در دست مردم است و حکومت ثبات آن را با دو امضا ضمانت کرده زده شود!

پول وقتی تنزل قیمت پیدا کند، چه در کیسه مردم و چه در بانک باشد مثل پول در بانک است زیرا همه‌ی مردم سپرده گذار و مشتری و خریدار پولند!

گرفتن بهره به عذر تورم، عذر بدتر از گناه است، زیرا اولاً مردم از تورم یا چاپ اسکناس مازاد سودی نبرده‌اند که بخواهند تاوان آن را پردازند، ثانیاً چنین سودی به دلیل قدرت سپرده گذار است و وام گیرنده، چوبِ ضعفش را می‌خورد. مردم چه بر سرشان می‌آید که از یک طرف چوب کم ارزش شدن پول و از طرف دیگر چوب عوارض آن را در قالب بهره بخورند! تورم اگر سودی داشته برای دیگران بوده و مردم نصیبی جز غرامت نداشته‌اند و دلیل ندارد تاوان آن را پردازند. وقتی بانک در توجیه بهره می‌گوید چون تورم مثلاً ۲۵ درصد است، کمتر از ۱۶ درصد صرف نمی‌کند. معنایش این است که وام گیرنده و تولید کننده باید ضرر کنند اما آن که وام دهنده است سود ببرد! این عذر تورم نمی‌شود!

تناقض دوم و سوم مربوط به «تأمین پول بهره و بالا بردن نرخ سود سپرده» است. دولت پول بهره را اجباراً از راه خلق و چاپ مجدد پول پرداخت می‌کند و این خود موجب افزایش حجم پول در مقابل میزان

کالای موجود در جامعه شده و تورم را تشدید می‌کند. از آن طرف بانک مرکزی برای جمع آوری پول از بازار و کم کردن حجم اسکناس، مجبور می‌شود نرخ بهره را بالا ببرد و با این کار نیاز به خلق مجدد پول می‌شود تا بهره‌ها و بهره‌ی بر بهره‌ها را بپردازد و مجدداً بر حجم نقدینگی و در نتیجه تورم افزوده می‌شود. علتش این است که پول اعتباری تعادل طبیعی بازار را ندارد و باید بوسیله نرخ بهره کنترل شود و عکس‌العمل در آن مکمل و متمم مرحله اول و تشدید وضعیت بی ثبات‌تر است؛ مثل ظروف مرتبطه روی ترازوست که هرچه اختلاف پتانسیل بیشتر شود، جریان خالی شدن یک طرف در طرف دیگر بیشتر می‌شود.

تناقض چهارم: پول رایج جهانی موجب ضمان است. با پول اعتباری مؤسس اعلام می‌کند که قدرت خرید آن مَوَاج و بسته به شرایط است و اگر تنزل پیدا کند ضامن نیست و تنها ضامن اعتبار پول است! چگونه می‌شود ضامن قدرت امروزی پول برای سال آینده نبود؟ این کار مثل این می‌ماند که کسی بگوید از آن جا که قدرت پول اعتباری بر حسب شرایط اقتصادی مَوَاج است، پولت را به من قرض بده و من تمام یا هشتاد درصد ان را برخواهم گرداند و اگر به واسطه تورم ۲۰ درصد

کاهش قیمت پیدا کرد، به من مربوط نیست و ضامن نیستم! طبیعتاً هیچ کس حاضر نیست چنین قراردادی ببندد! یا می گوید اضافه بده یا به همان ثواب قرض الحسنه اکتفا می کنم چون قدرت خرید پول خود را می خواهد! پول وقتی ده درصد تورم پیدا کند از قیمت سوقیه آن کم نشده بلکه از اصل آن یعنی مالیت آن کم گردیده است. هزار تومانی پارسال غیر از هزار تومانی امسال است چون اعتبارش به خاطر تورم کم گردیده است و این موجب ضمان است و خیلی احکام پشت سرش است.

تناقض پنجم در پول رایج جهانی، جایزه های حساب های بانکی است. کسی که دویست هزار تومان دو ماهه در بانک می گذارد و یک ماشین برنده می شود، آیا چنین جایزه ای «اکل مال به باطل» نیست؟ هر ساله چند هزار دستگاه ماشین در بانک ها جایزه داده می شود؛ پول این ماشین ها از چه کسی گرفته و به چه کسی داده شده است؟ آیا جز از راه چاپ و ضرر به پول مردم تأمین می شود! دویست هزار تومان فقط دو ماه در اختیار بانک بوده و بعد جایزه آن چنانی، از قدرت خرید پول مردم گرفته و به سودجویان پرداخت می شود!

تناقض ششم: کار با پول رایج جهانی موازنه‌ی روی ترازوست. اگر در ظروف مرتبته‌ی روی ترازو، قطره‌ای به یک طرف اضافه شود، با همان یک قطره سرنوشت عوض می‌شود و یکی بعد از مدتی بطور کامل در دیگری تخلیه می‌گردد. پول متغیر به معنی گذاشتن مردم روی ترازو و خالی شدن ضعیف در غنی و تشدید تضاد طبقاتی است. قسط و عدالت ایجاب می‌کند از دارا گرفته شود و به ندار داده شود، اما در پول رایج جهانی که قانون بانکداری بدون ربا بر آن مبتنی است، از محروم مقروض گرفته و به مرفه متمکن داده می‌شود. این کار نقیض آیه‌ی «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ است! باید دید شارع روی چه چیز حساس بوده است؟ آیا روی باج گرفتن غنی از فقیر حساس بوده یا روی واژه ربا که ما گمان کرده‌ایم اگر تغییرش دهیم ربا حذف خواهد شد؟ غافل از این که ربا جز «لاینفک» پول اعتباری است. آیا فقیرتر شدن فقیر و غنی‌تر شدن غنی، خلاف قسط است یا تصریح به عقد قرار داد ربوی؟

۱- حدید/ ۲۵: «تا مردم قیام به عدالت کنند»

با یک درهم اول ربا، نهایتاً ربا دهنده تهیدست و ربا گیرنده بی هیچ زحمتی ثروتمند شده است. محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام علت تحریم ربا را سؤال کرد. جواب فرمودند: «... ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلْفِ الْأُمُوالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرَّبْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ قَنَاءِ الْأُمُوالِ»؛ «ربا موجب فراموشی کارهای نیک و نابودی اموال و تمایل مردم به سود و تعطیل کسب و کار و ترک قرض الحسنه و احسان است و این فساد و ستم و نابودی اموال به دنبال دارد.» پیداست که تحریم حضرت برای فرار از معلول‌هایی مثل تعطیلی کسب و کار و تعطیلی قرض الحسنه بوده است که ما الآن دچارش هستیم. آیا قرض توأم با بهره که قرض دهنده بوسیله آن دارا می‌شود کار خیر یا اصطناع معروف است یا قرضی که به نفع وام گیرنده است؟ با تصویب قانون بانکداری بدون ربا قبول کردیم که از ندار بگیریم و به دارا بدهیم تا فاصله‌ی آن‌ها روز به روز بیشتر شود! پول رایج جهانی همان نظام

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۸۳: «ربا موجب فراموشی کارهای نیک و نابودی اموال و تمایل مردم به سود و تعطیل کسب و کار و ترک قرض الحسنه و احسان است و این فساد و ستم و نابودی اموال به دنبال دارد»

ترازویی است که دست آخر، ضعیف به طور کامل در قوی خالی می‌شود!

تناقض هفتم در پول رایج جهانی، ایجاد محذور در اجرای احکام است. با پول اعتباری انسان گرفتار دو ممنوعیت می‌شود و علتش این است که اصل «فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۱، به امر دیگری در پول رایج جهانی تبدیل شده و آن «إِذَا تَظْلَمُونَ وَإِنَّمَا تُظْلَمُونَ»^۲ است؛ به نحوی که انسان بین محذور بهره دادن و بهره ندادن قرار می‌گیرد؛ اگر بهره گرفته نشود، به قرض دهنده به دلیل تورم ظلم شده است و اگر بهره گرفته شود، به قرض گیرنده ظلم شده است زیرا قرض گیرنده می‌گوید از تورم چه سودی برده که غرامت پردازد! در پول اعتباری اگر بهره را تعطیل کنند ظلم می‌شود و اگر ادامه دهند باز ظلم است. معنی ادامه دادن این است که سود، در مقابل کار نیست و این با روح اسلام سازگاری ندارد زیرا ربا پرداخت پول به دلیل کار نیست، به دلیل قدرت سپرده‌گذار است و وام‌گیرنده چوب ضعفش را

۱- بقره / ۲۷۹: «سرمایه‌های شما، از آن شماس است [اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم می‌کنید،

و نه بر شما ستم وارد می‌شود»

۲- یا ظلم می‌کنید و یا مورد ظلم واقع می‌شوید!!

می خورد. ممکن است گفته شود به خاطر تورم ظلم به وام دهنده را احراز می کنیم و با گرفتن بهره از وام گیرنده جبران می کنیم! اما این برخلاف اسلام است زیرا در اسلام هیچ سودی از وام گیرنده نباید گرفته شود تا او بتواند کمر راست کند، اما با پول رایج جهانی که در مضان تورم است کمرش شکسته می شود! اگر کسی ده سال قبل به پول رایج، ده میلیون تومان، ده ساله قرض کرده باشد و بخواهند حالا در دستگاه «فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۱ مسأله را بررسی کنند، حتی اگر به نرخ تورم هم بخواهند مطالبه کنند، باز هم مثل درهم و دینار نخواهد بود.^۲

در مورد مهریه هم اگر مهریه خانمی در سی سال قبل صد هزار تومان بوده و بخواهند حالا بپردازند، اگر به صورت مهرالمسمی باشد و کاری به تورم نداشته باشند، به یک محذور دچار می شوند و زن می گوید مگر او مقصر کاهش اعتبار پول است که باید ضرر کند و اگر بخواهند

۱- بقره / ۲۷۹ : «سرمایه های شما، از آن شماس [اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم

می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود»

۲- البته اگر قرار گذاشته باشند که ضمانت قدرت خرید پول بر مبنای محاسبات بانک مرکزی باشد، از باب «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» این کار صحّت دارد.

به قانون جمهوری اسلامی عمل نمایند و تورم را از شوهر بگیرند، محذور دوم پیش می‌آید و می‌گوید مگر کاهش اعتبار پول به جیب او رفته که غرامت پردازد؟ الآن هر کس در بانک پول بگذارد و بردارد در محذور می‌افتد. زندانی چک را به زندان بیندازند در محذور می‌افتند و اگر زندان را بردارند، محذور دیگر پیش می‌آید و دیگر هیچ کاسبی حاضر نیست چک قبول کند و بازار کساد می‌شود؛ همه این‌ها بخاطر پول اعتباری است. اما پول کالایی اگر تنزل پیدا کند، تنزلش از قیمت است و کسی ضامن نیست.

تناقض هشتم در پول رایج جهانی، به وضعیت قرض بر می‌گردد. قرض را برای فرج و گشایش کار ضعیف گذاشته‌اند اما وقتی پرداخت بهره با تورم توجیه شود و وقتی هم که پرداخت شد امکان ندارد از وام گیرنده گرفته نشود، باعث می‌شود وام به دام تبدیل شود و وام گیرنده، ماهی است و وام، قلاب و بانک، ماهیگیر و با قطعی شدن وام بانک نخ را می‌کشد و وام گیرنده سر قلاب گیر می‌کند و تا دارائی همه‌ی ضامن‌ها مصادره نشود، مطالبات بانک هر لحظه افزایش می‌یابد! بانک برای چند میلیون شرایط کمرشکن دارد، اما برای سه هزار میلیارد

تومان، شرایط چنان سهل است که کلاه به آن گشادی سر بانک می‌رود!^۱

تناقض نهم مربوط به عدم ثبات پول رایج جهانی است. پول، واحد اندازه‌گیری است و امکان ندارد با واحد اندازه‌گیری متغیر، جهالت برطرف گردد. در تمام رشته‌های علمی، واحد اندازه‌گیری ثابت است و با وسواس زیاد از آن حمایت می‌کنند. مثلاً متری از طلای سفید ساخته و در یکی از موزه‌های مهم اروپا به امانت گذاشته‌اند تا مرجع اندازه‌گیری طول باشد. در وزن و انرژی و مقاومت و غیره هم واحد ثابت گذاشته شده است. در اسلام، پول واحد ارزش است و هزار سال بگذرد دیه یک انسان با هزار دینار یا هزار گوسفند برابر است.

آیا پولی که مرتب قدرت خریدش کم می‌شود، می‌تواند واحد اندازه‌گیری باشد؟ آقایان که از ترس خدا برای جابجا شدن پول مردم دقت می‌کنند که حق و ناحق نشود، چگونه با امضای این پول اجازه داده‌اند

۱- در شرایط کنونی، بانک‌ها کارهای عجیب و غریبی انجام می‌دهند. اگر مشتری بخواهد زودتر از موعد مقرر اقساط تسهیلاتش را بازپرداخت کند، باید همه سود و اصل پول را به بانک بپردازد و این مساله ای بسیار عجیب است و ربطی هم به قانون بانکداری بدون ربا ندارد!

حق و ناحق صورت گیرد و همه چیز مجهول گردد؟ روزی می‌رسد که همه تعجب کنند چگونه این پول برای استنباط احکام تایید شد و نگفتند قیمتش مجهول است! یعنی چیزی که می‌خواهد رفع جهالت کند، خودش در جهالت است؛ مثل این می‌ماند گفته شود خانه ای ۱۰ میلیون می‌ارزد و بعد بگوییم ۱۰ میلیون چند می‌ارزد و جواب دهند نمی‌دانیم!

ذات نیافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش؟

چگونه است وقتی با متری از جنس «کش»، زمینی متر شود و جواب‌های متفاوت گرفته شود، معامله باطل اعلام می‌گردد اما وقتی پول یعنی واحد اندازه گیری، ارزشش متغیر شود، معامله باطل نمی‌گردد؟ قبل از انقلاب مراجع تقلید بالاجماع «صداق» قرار گرفتن طلا را ممنوع کرده و به محضرها سپردند که به تومان باشد؛ مثلاً به جای یک کیلو طلا قیمت آن به پول رایج محاسبه شود زیرا طلا در بازار هر روز قیمتی داشت و مجهول القیمه بود و ثمن بضع قرار گرفتن آن مستلزم جهالت و غرر می‌شد و نکاح باطل می‌گردید. سال‌ها بعد با مطرح شدن تورم، معلوم گردید که تغییر از پول رایج است و از طلا

نیست و به این ترتیب طلا از مجهول بودن تبرئه شد و اجازه صداق گرفت. تناقض این جاست که چطور متغیر بودن قیمت طلا، صلاحیت بضع ثمن قرار گرفتن آن را مانع شد ولی تغییرات فاحش پول رایج جهانی مانع صلاحیت آن نیست؟

تناقض دهم به تجارت و خرید و فروش بانک بر می گردد. بانک حق تجارت و ریسک کردن با اموال مردم که در امانت اوست ندارد زیرا با این کار امانت مردم در مظان ضرر و زیان قرار می گیرد و هر جا احتمال سود بیشتر باشد همان جا احتمال ضرر بیشتر است. بانک فقط با سود تضمین شده و منهای احتمال ضرر می تواند معامله و مشارکت کند و سود خود را مطالبه نماید و در این حال برایش فرق نمی کند طرف ورشکست یا پول دار شده باشد. این یکی از تناقض های آشکار با قاعده «مَنْ كَانَ عَلَيْهِ الْغُرْمُ فَلَهُ الْغَنَمُ» است. اما بانک بی آن که «علیه الْغُرْمُ» باشد می خواهد «له الْغَنَمُ» باشد و این حالت جز با کار کردن پول محقق نمی شود. زیرا اگر پول بخواهد صدق پول کار کردن پیدا نکند، باید به کالا تبدیل شود و وقتی به کالا تبدیل شد در مظان ضرر و زیان قرار می گیرد و این کاری است که بانک و تعاونی اعتبارها نمی توانند انجام دهند چون برای آن ها که امانت دار مال مردمند، پول بی آن که

به کالا تبدیل شود باید کار کند تا در مظان ضرر و زیان قرار نگیرد. اسلام اصالت را به انسان می‌دهد و سود بی زیان به معنی اصالت سرمایه است نه اصالت انسان و این با اسلام هماهنگ نیست.

نتیجه:

تا پول از نوع پول رایج جهانی است، تناقض‌ها در آن بی جواب است. پول رایج جهانی ملازم با ریاست و بانکداری بدون ربا، استثنا از قانون حاکم بر بانکداری نیست. به عبارت دیگر اشکال در مورد نیست و در ملازمه است. یعنی وقتی تورم در پول وارد شود، متغیر شدن ارزش پول غیر قابل اجتناب است و اگر بانک بهره ندهد هیچ کس حاضر نیست سپرده گذاری کند، چون پول قوی می‌دهد و پول ضعیف می‌گیرد و بانک مجبور است بهره را از جایی تأمین کند.

بانک چون جایگاه قانون گذاری دارد، تکلیف امام راحل علیه السلام نبود که مسأله را حل کنند بنابراین به مجلس شورا و شورای نگهبان ارجاع دادند. در این قضیه و در مرحله اول، برای این که بانک با قطع بهره متلاشی نشود، اجازه یافت در قالب مضاربه و به مدت ۵ سال قانون

بانکداری بدون ربا اجرا شود، اما الآن چه می‌شود؟^۱ با تغییر لفظ ربا به مضاربه، تغییری در ماهیت قضیه داده نشده و بانکداری بدون ربا فقط اسم عوض کردن است و مضاربه نمودن بهره و مشارکت مدنی هیچ تغییری در ماهیت پول اعتباری نمی‌تواند بدهد و بانک کار خود را می‌کند. تغییر باید ماهیت را عوض کند، زیرا بهره جزء لاینفک بانکداری با پول اعتباری است. وقتی کارشناس بانک می‌گوید پول متغیر نظام ترازویی ایجاد کرده و بدون وجود بهره تعادل امکان پذیر نیست و از دست رفتن بهره مساوی با از دست رفتن کل اقتصاد است، چگونه با تغییر واژه بهره به مضاربه، ربا حذف می‌شود؟ بانکداری بدون ربا چیزی جز پذیرش بی‌ثباتی پول اعتباری و پذیرش بهره و تسلیم در برابر آن نیست؛ به معنی عدم کارشناسی صحیح موضوع است که سعی شده از روی علوم انسانی اسلامی پل زده و با استفاده از علوم انسانی غرب، اصطکاک بین آن و احکام اسلامی حذف و با کمی جرح و تعدیل، مضاربه به جای ربا به میان آورده شود.

۱- قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ماه سال ۱۳۶۲ تصویب و از ابتدای سال بعد به اجرا گذاشته شد.

الآن چون بانک بر مبنای مضاربه عمل می‌کند، اسمش را به غلط بانکداری اسلامی می‌گذارند و عده دیگری هم در بازار، مؤسسات اعتباری مالی شخصی تأسیس می‌کنند و بر همان اساس بهره می‌گیرند! حال چطور می‌شود با رباخوار برخورد کرد؟ اسلام استخوان سرمایه‌داری و ربا را بیرون می‌کشد و دفن می‌کند. ربا استخوانی است که هر کس بخورد، شکمش پاره می‌شود و آه و ناله‌ی آن جامعه به هوا بلند می‌گردد. بهره‌سودی است که از گلوی فقیر گرفته و به حلقوم غنی ریخته می‌شود. با تصویب این قانون قبول کردیم که از آدم‌نادر بگیریم و به دارا بدهیم تا فاصله آن‌ها روز به روز بیشتر شود! این همان نظام ترازویی است که دست آخر ضعیف به طور کامل در قوی خالی می‌شود. اما اگر ربا حذف و قرض واقعی عملی شود، سود هر کس مال اوست و هر انسان مدیر و امینی با دست خالی متمکن است و چون قابل اعتماد است قرض او را یک دارای بالفعل می‌کند.

پول رایج جهانی از موضوعات مستحده است و می‌ارزد همایشی برای شناخت آن برقرار شود تا شبهه برطرف گردد. اگر ثابت شد نمی‌توان با پول رایج جهانی احکام اسلام را پیاده کرد، باید پول اسلام را احیا کنیم. پول ثابت اولین چیزی است که باید به عنوان بستر ممنوعیت ربا و

رواج قرض الحسنه یا سیستم اُولی جا انداخته شود و این اساس اصلاح پول کشور است. ما اگر بخواهیم از ربا فاصله بگیریم راهش این است که از پول اعتباری که ملازم با رباست فاصله بگیریم. سیستم پولی ما نیاز به راه برون رفت از مشکل ربا و رسیدن به آیین نامه اجرایی نصّ صریح قرآن: ﴿فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ دارد. برای این کار باید علما از منظر احکام شرع تحلیل نمایند آیا پول رایج جهانی در چارچوب احکام شرع می‌گنجد و پاسخگوی مسائل هست یا نه؟ اگر ثابت شد که پول رایج مال نیست و صرف اعتبار است، باید از راه تاسیس پول ثابت، ضلالت کنونی را که از ربا متوجه جامعه شده برطرف کرد.